کالبد شکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القاء سیاست*

دکتر درّه میرحیدر
استاد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران
حسین حمیدی‌نیا
دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

چکیده

نقشه مهمترین ابزار شناخت در جغرافیا و عالی‌ترین وسیله جهت به نمایش در آوردن اطلاعات جغرافیایی است. محیط شناسی در معنای کلی آن یعنی مطالعه رابطه انسان با محیط طبیعی و انسانی، تنها به وسیله نقشه امکان‌پذیر است. نقشه به عنوان ابزاری در خدمت محیط شناسی و باز نمایی کننده تسلط انسان بر محیط پیرامون خود، همواره ابزاری در اختیار قدرت سیاسی و حاکمیت‌ها بوده است. لذا نقش مهمی در القاء سیاست و اعمال قدرت ایفا می‌نماید. مفهوم قدرت در اینجا تنها محدود به قدرت حکومتی نبوده بلکه همه شکل‌ها و صورتبندی‌های قدرت در سطوح مختلف جامعه را شامل میگردد. به چه علت نقشه به عنوان ابزاری در خدمت اعمال قدرت و القاء سیاست قرار می گیرد؟ مقاله حاضر به منظور پاسخگویی به این پرسش طراحی و نوشته شده است. به این منظور یک چارچوب نظری - مفهومی به شرح ذیل ارائه شده است که نسبت نقشه و قدرت در قالب آن مورد مطالعه قرار گرفته است:

۱- نشانه شناسی ۲- قدرت و متن ۳- گفتمان ۴- قدرت و رسانه ۵- نقشه ادراکی و شناختی.

فرضیه اصلی این پژوهش این است که نقشه جغرافیایی به این علت در اعمال قدرت و القاء سیاست نقش دارد که " نشانه" است. از دیدگاه هستی شناختی، نشانه بودن یعنی اینکه نقشه انعکاس و بازتاب عینی واقعیتها و عوارض جغرافیایی بصورت یک به یک نیست بلکه جایگزین آن واقعیت‌هاست. از نظر انتقادی نقشه تنها یک ابزار انتقال اطلاعات بصورت خنثی نبوده بلکه وابسته به منافع و نیات و خواست های کنشگران

* این مقاله از رساله دکتری با همین عنوان استخراج گردیده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

(کارتوگراف ، سفارش دهندگان ، دولت‌ها و حتی تفسیر مخاطبان) است. از دیدگاه پسانوگرایانه (پست مدرن) نقشه یک صورت متعین (از پیش تعیین شده و مطلق) از جهان نبوده بلکه بسته به میل کنشگران ، جهان به اشکال مختلف قابل بازنمایی و نمایش می باشد. از دیدگاه سازه گرایانه ، نقشه علاوه بر موارد فوق الذکر، ابزار ساختن واقعیت و واقعیت ساز است.

واژه‌های کلیدی: نقشه ـ قدرت ـ نشانه ـ متن ـ گفتمان ـ رسانه ـ نقشه ادراکی

مقدمه

نیاز و حسن کنجکاوی ، انسان ها را از دیر باز بر آن داشته است تا به ناشناخته ها دست یابند و زیستگاه خود را از نزدیک مورد شناسایی و بررسی قرار دهند. همگام با گسترش جوامع امروزی، بر این تلاش افزوده شد و شناخت و بهره گیری از زیستگاه آدمیان ، ابعاد گسترده ای یافت، تا به حدی که در عصر کنونی آگاهی از عوامل جغرافیایی و تاثیر آنها بر حوزه‌های گوناگون زندگی انسان و شناخت نقشه جغرافیایی، به عنوان مهمترین ابزار شناخت محیط پیرامون انسان و جوامع انسانی را، بر همگان ضروری ساخته است.

نقشه بصورت شگفت انگیزی ، ابزار بسیار سودمندی است . از آن برای جمع آوری و نمایش اطلاعات استفاده می‌کنیم. و میان پدیده هایی که به ظاهر با یکدیگر بی ارتباط هستند ارتباط برقرار می کنیم، و برعکس ارتباط مکان ها را با یکدیگر قطع می نماییم و موقعیت خود را در میان سایر انسان ها و جوامع تعیین نموده و به خود و جامعه معنا و هویت می‌بخشیم (Black, ۱۹۹۷:۹). کاربرد روز افزون نقشه در خانه‌ها، مراکز آموزشی ، نظامی، سیاسی، فرهنگی و حتی خودروها وهواپیماها نشانگر اعتماد عمومی به عنوان یک مرجع کسب اطلاعات و شناخت موقعیت های محیط پیرامون است. اما باید دانست که نقشه جغرافیایی چیزی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

بیش از نمایش عوارض سطح زمین با نگاه عمودی از بالا می باشد. و انتقال گزینشی اطلاعات جغرافیایی به روی سطح صاف (کاغذ و رایانه) است. در حقیقت جایگزین واقعیت های محیط برروی کاغذ می باشد نه خود آن واقعیت ها . به عبارت دیگر ، علائم ، نشانه ها، رنگ ها و خطوط جایگزین عوارض واقعی سطح زمین می گردد.

از سوی دیگر این مساله برای جغرافیدان ها مطرح بوده است که نقشه به عنوان انتقال دهنده اطلاعات، همواره بصورت ابزاری در دست قدرت ، صاحب قدرت و دولت ها به منظور باز نمایی اهداف ، نیات و منافع آنها و همچنین القاء سیاست های مورد نظر آنها بوده است. به عبارت دیگر ، رابطه و پیوند میان نقشه و سیاست بصورت یک مفروض مطرح بوده است (Henrikson, ۱۹۹۴: ۴۹). با مطالعه متون جغرافیایی به ویژه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، چنین بر می آید که جغرافی دان ها همواره به صورت توصیفی به بررسی رابطه نقشه و قدرت پرداخته اند و هیچگاه علت های چنین رابطه ای را مورد بررسی قرار نداده‌اند (Blacksell, ۲۰۰۶: ۲۸).

در واقع آنچه کاربرد نقشه را بصورت گسترده ای رایج ساخته است ، اعتماد عمومی به درست بودن اطلاعات انتقال داده شده از سوی نقشه ها و همچنین اعتقاد به عینی بودن آن اطلاعات و انطباق دقیق آنها با واقعیت های بیرون از ذهن (جهان واقع) بوده است. اکثر کاربران نقشه های جغرافیایی چنین تصور می کنند که نقشه ، پدیده ای بیطرف و خنثی بوده و منافع ، خواست ها و نیات کارتوگراف ها ، سفارش دهندگان نقشه ها و دولت ها در چگونگی گزینش اطلاعات جغرافیایی و انتقال آنها از سوی نقشه ، جایگاهی ندارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقاله حاضر در پی بررسی و تبیین علت پیوند میان نقشه جغرافیایی و قدرت و تاثیر گذاری منافع ، نیات، تمایلات و مقاصد تولید کنندگان و سفارش دهندگان نقشه به ویژه دولت ها بر کم وکیف اطلاعات ارائه شده از سوی نقشه های جغرافیایی است . بدین منظور با ارائه یک چارچوب نظری ، رابطه و پیوند میان نقشه جغرافیایی و قدرت در آن قالب مورد بررسی قرار گرفته است. در چارچوب نظری مقاله ، نقشه جغرافیایی به عنوان متغیر وابسته از منظر هستی‌شناسی ، شناخت شناسی ، نشانه شناسی، تحلیل گفتمان، خاصیت رسانه‌ای و تاثیرات روان شناسانه مورد مطالعه قرار گرفته و پیوند آن با قدرت (به معنای کلی و نه فقط قدرت سیاسی و حکومتی) به عنوان متغیر مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نکته مهم مقاله حاضر، بکارگیری دیدگاههای ساختارشکنانه، انتقادی و سازه گرایانه در تحلیل‌های جغرافیایی وگشودن افق های جدید درمطالعات و پژوهش‌های جغرافیایی می‌باشد.

طرح مساله

نقشه مهمترین ابزار شناخت در جغرافیا و عالی ترین وسیله جهت به نمایش در آوردن اطلاعات و معلومات جغرافیایی است (گنجی ، ۱۳۸۰ : ۴۳۵). محیط شناسی در معنای کلی آن ، یعنی مطالعه رابطه انسان با محیط طبیعی و انسانی ، تنها به وسیله نقشه امکان پذیر است. در خصوص جایگاه نقشه در دانش جغرافیا همین بس که بسیاری از دانشمندان معاصر و جغرافی دان های حرفه ای ، تنها مفاهیم و موضوعاتی را در دامنه دانش جغرافیا به شمار آورده‌اند که قابلیت بازنمایی از طریق نقشه را داشته باشند (گنجی، ۱۳۸۰: ۴۳۵).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جغرافیا دانش مطالعه روابط و محیط پیرامون آن ، شامل محیط طبیعی و انسانی است . یکی از انواع محیط های انسانی، محیط سیاسی است. سیاست و قدرت پیوند تنگاتنگی با جغرافیا دارند . از نظر میشل فوکو[۱] دانش به عنوان یک عرصه منازعه از طریق ارجاع به فضا قابل درک و فهم است:

"مرزها و حوزه‌های نفوذ همواره وجود داشته‌اند و این ایدئولوژی ها بوده اند که سرزمین‌ها را به استعمار در می آوردند. اگر قدرت پدیده ای در رابطه با فضاست ، فضاها خود از طریق اعمال قدرت ایجاد می گردند" (Black, ۱۹۹۷ , ۱۸).

به این ترتیب جایگاه ویژه کارتوگرافی و نقشه به عنوان یکی از صورتبندی های بازنمایی فضایی قدرت آشکار می گردد و آن بخش از سیاست که قابلیت بازنمایی از طریق نقشه را داشته باشد در حوزه مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک قرار می گیرد.

نقشه به عنوان ابزاری در جهت محیط شناسی و بازنمایی کننده تسلط انسان بر محیط پیرامون خود ، به عنوان ابزاری در اختیار قدرت سیاسی و حاکمیت به طور کلی بوده و نقش مهمی در القاء سیاست و اعمال قدرت ، ایفا نموده است. نقشه بخصوص نقشه های مربوط به مطالعات جغرافیای انسانی ، ابزار بسیار مناسبی در زمینه القاء هویت ، معنا ، ادعاهای ارضی، مرزی، تاریخی، حوزه نفوذ فرهنگی و تقسیم بندی سیاسی فضا و در نهایت اعمال قدرت می باشد.

پرسش اصلی

بیشتر مطالعات جغرافیایی معطوف به مطالعه نقشه و رابطه آن با قدرت سیاسی با روش توصیفی انجام شده است و چرایی وعلت (یاعلت های) رابطه

۱ - Michel Foucault

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نقشه با قدرت چندان مورد توجه پژوهشگران نبوده است. پرسش اصلی دراین مقاله این است که چرا و به چه علت نقشه به عنوان ابزاری در خدمت اعمال قدرت و القاء سیاست است؟

فرضیه اصلی:

خصلت نشانه بودن نقشه ، مهمترین علت در *پیوند* و ارتباط آن با قدرت و استفاده ابزاری از آن در خدمت اعمال قدرت و القاء سیاست است.

پرسش‌های فرعی

در کنار پرسش اصلی ، پرسش‌های دیگری نیز مطرح است که عبارتند از :

۱- نقشه چیست و چگونه پدید می آید؟

۲- نظام نشانه ای چیست و نسبت آن با نقشه در اعمال قدرت و القاء سیاست چیست؟

۳- کارکرد نقشه به عنوان یک متن ، گفتمان و رسانه در اعمال قدرت و القاء سیاست چیست؟

۴- نقشه های ادراکی چگونه بر اعمال قدرت و القاء سیاست تاثیر دارند؟

فرضیه‌های فرعی

۱ - نقشه انتقال واقعیت ها و عوارض روی کره زمین به صفحه مسطح (سیستم‌های تصویر) بر اساس مقیاس ، جهت و مختصات معین می باشد.

۲- نقشه به عنوان یک نظام نشانه ای و جایگزین واقعیت ها و عوارض سطح زمین بر روی کاغذ بوده لذا قابلیت اعمال قدرت و القاء سیاست را دارا می باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۳- نقشه به عنوان یک متن ، اجزاء تشکیل دهنده گفتمان و رسانه نقش مهمی در توضیح جهان و انتقال پیام های جهت دار و گزینشی ایفا می نماید.

۴- نقشه ادراکی و شناختی به عنوان نقشه بدون کارتوگرافی و ذهنی، تاثیر به سزایی در شکل دهی و قالب بندی ذهنی سیاستگذاران و تصمیم‌سازان برعهده دارد.

چارچوب نظری - مفهومی

به منظور ارائه تحلیل منسجم ، معنادار و منظم و عدم پراکنده گویی، یک چارچوب نظری – مفهومی پنج ضلعی مرکب از پنج متغیر در نظر گرفته شده است. این متغیرها عبارتند از نشانه، متن، گفتمان، رسانه و نقشه ادراکی . از میان پنج متغیر یاد شده البته نشانه و نظریه نشانه شناسی دارای اهمیت محوری در مقاله حاضر میباشد. زیرا متن ، گفتمان ، رسانه و نقشه ادراکی هر یک ، نظام های نشانه ای هستند که همه متاثر از مفهوم نشانه و نظریه نشانه شناسی می باشند.

تعریف نقشه از نگاه توصیفی و هستی شناختی

در تعریف نقشه می توان از دو منظر به این مهم پرداخت. یکی از دیدگاه توصیفی و دیگری از دیدگاه هستی شناختی . از نقطه نظر توصیفی هر آنچه در خصوص نقشه گفته و نوشته شده و می شود در واقع شرح الاسم می باشد، یعنی بدون ارجاع به ماهیت آن ، تنها به شرح معنای لغوی و فرآیند تهیه و تولید نقشه پرداخته می شود .از نقطه نظر هستی شناختی ، تعریف نقشه پاسخ به این پرسش است که ماهیت نقشه چیست؟ در واقع تعریف نقشه از دیدگاه هستی شناسی ما

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

را به شناخت ماهیت نقشه نزدیک می کند، چرا که شناخت گوهر و ماهیت اشیاء و امور امری سخت و تقریبا غیر ممکن است.

از نظر توصیفی، به "نمایش ترسیمی عوارض پوسته زمین (بصورت قراردادی به وسیله علائم و نشانه ها) روی موادی مانند کاغذ، پلاستیک، مقوا، پارچه و سایر مواد مشابه را که به نسبت معینی کوچک شده باشد(مقیاس) نقشه گفته می شود (فرهنگ بزرگ گیتا شناسی ، ۱۳۷۶ :۳۴۱) تعریف فوق الذکر با اندکی تفاوت در تمام منابع جغرافیایی و کارتوگرافی در خصوص نقشه گفته و نوشته شده است.

تعریف نقشه از نظر ماهوی و هستی شناختی ، با تعریف بالا کاملا متفاوت است. از این دیدگاه نقشه جایگزینی عوارض سطح زمین بر روی سطح صاف با استفاده از رنگ ها ، خطوط و علائم آن هم بصورت گزینشی و براساس علایق و نیات تهیه کنندگان آن می باشد. در این خصوص ایولاکوست چنین می نویسد:

> **نقشه برداشتی انتزاعی از یک واقعیت عینی که طرح ریزی یا انگیزه آن ، ناشی از علایق واقع بینانه (سیاسی ، فرهنگی ،نظامی و...) است. نقشه نحوه ای از نشان دادن فضاست که اعمال سلطه و نظارت بر آن را تسهیل می کند. پس ترسیم نقشه به معنای تعریف رسمی فضا در طول خطوطی است که در چارچوب تجربه معرفت شناختی خاص قرار می گیرند (مویر، ۱۳۷۹ :۳۸۰-۳۷۹).**

از مقایسه تعریف های نقشه از دو دیدگاه یاد شده نتایج زیر استخراج می گردد:

۱- در تعریف نقشه از منظر توصیفی ، نقشه با نگاهی پوزیتیویستی تعریف شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲- ازدیدگاه پوزیتیویستها، نقشه پدیده‌ای خنثی بوده که مانند آینه منعکس کننده واقعیت‌های روی زمین است و مقاصد و نیات کارتوگراف و سفارش دهندگان تاثیری در ماهیت آن ندارد.

۳- در تعریف نقشه از منظر هستی شناسانه با رویکرد انتقادی – فلسفی به نقشه توجه شده است. در این رویکرد، نقشه پدیده‌ای خنثی نبوده بلکه بصورت گزینشی، نیت‌مند و با اهداف ویژه، پراکندگی مکانی– فضایی پدیده ها را روی سطح زمین به نمایش در می آورد.

۴- از نگاه اندیشمندان پست مدرن تحت تاثیر عقاید فوکو وژاک دریدا[۲] نقشه جهان را آنگونه که کنشگران می خواهند به جهانیان معرفی می کند (Black, ۱۹۹۷: ۱۸).

پیشینه نقشه نگاری در جهان

در منابع جغرافیایی غربی اعم از اروپا و آمریکا دوران های مختلف ترسیم نقشه عبارتند از: ۱- سده های پیش از میلاد و عهد باستان ۲- سده های اول و دوم میلادی ۳- سده های سوم تا پانزدهم میلادی ۴- سده های شانزدهم تا بیستم ۵- سده بیست ویکم . البته پر واضح است که در تقسیم بندی یاد شده توجه چندانی به سیر تطور نقشه نگاری در جهان اسلام اعم از عرب و غیر عرب و همچنین نقشه نگاری در شرق دور به ویژه چین و ژاپن نگردیده است (پور کمال ، ۱۳۴۹ : ۷-۶).

۲ - J. Derrida

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

در دوران باستان تا سده های اول و دوم میلادی با توجه به ضعف تکنولوژیکی انسان و فقدان وسایل و ادوات نقشه کشی و محاسباتی نقشه ها شباهت چندانی به محیط واقعی زندگی انسانها نداشتند . در سده های سوم تا پانزدهم میلادی حاکمیت مطلق کلیسا بر همه شئون زندگی در اروپا و امپراتوری روم موجب گردیده بود تا نقشه ها متاثر از عقاید مسیحی درباره جهان با مرکزیت بیت المقدس (اورشلیم) تهیه گردند و شباهت چندانی به واقعیت‌های روی زمین نداشتند. البته در همین دوران جغرافیدان های اسلامی اعم از عرب و غیر عرب پیشرفت‌های قابل ملاحظه ای در این زمینه از خود بروز دادند. در اواخر قرون وسطی در پرتو انتقال آثار و تالیفات جغرافیدان های مسلمان به اروپا ، دانش نقشه نگاری و کارتوگرافی که از قرن دوم میلادی رو به افول رفته بود بتدریج سیر ترقی را طی نمود . با انتشار نقشه های پورتولان[۳] که از نیمه سده سیزدهم میلادی رایج گردید، شکل سواحل و موقعیت دقیق بنادر بخوبی ترسیم گردید. در نقشه های این دوره با استفاده از قطب نما ، شمال نقشه کاملا مشخص گردید (Sphyroeras, ۱۹۸۵, pp۳۶-۳۷).

درسده بیستم تهیه نقشه‌های دقیق درمقیاس جهان و منطقه ای که از قرن شانزدهم و توسط گرهارد مرکاتور[۴] رایج گردیده بود، به اوج خودرسید. امروزه نیزبااستفاده ازآخرین فن‌آوری‌ها، نقشه های مناطق جهان در مقیاس های مختلف و با استفاده از رایانه در دسترس کاربران قرار دارد. از لحاظ چگونگی رابطه نقشه با قدرت سیاسی و کاربردهای نقشه در جهت اهداف و مقاصد سیاسی توسعه بسیاری یافته است. که مهمترین دلایل آن عبارتند از: ۱- گسترش

۳ - Portolan
٤ - G. Mercator

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اکتشافات جغرافیایی ۲- پیدایش حکومت سرزمینی ۳- افزایش رقابت های استعماری
۴- پیدایش حکومت ملی ۵- وقوع جنگ سرد و تقسیم جهان به دو بلوک پس از جنگ جهانی دوم ۶- روند جهانی شدن و محلی ماندن .

در ایران توجه به نقشه و جغرافیا به زمان تاسیس دارالفنون باز می گردد. اما سطح وسیع بیسوادی و تعداد اندک دانشگاهها در سطح کشور هم چنین وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور در سالهای پیش از انقلاب اسلامی، عدم مشارکت سیاسی مردم و شکاف میان ملت و حکومت از دلایل عمده عدم توجه به نقشه و جغرافیا بوده است. وقوع انقلاب اسلامی ، اهمیت یافتن مسائل سیاسی و بین المللی، مشارکت بخش بزرگی از توده های مردم در روند آن، تحریم اقتصادی ، حادثه تصرف سفارت آمریکا از جمله علل توجه جامعه و مردم به نقشه و جغرافیا بوده است. در این میان تجاوز رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران تاثیری انکارناپذیر بر روند پیشرفت توجه جامعه به جغرافیا و نقشه برجای نهاد. نیاز به دانستن موقعیت نیروهای خودی و دشمن ، حدود مناطق اشغال شده ، موقعیت دقیق مکان های اجرای عملیات و موقعیت شهرهای ایران و عراق از جمله عواملی بودند که بر اهمیت نقشه و رابطه آن با جنگ و سیاست مهر تائید نهادند. در این دوره چاپ نقشه های مناطق عملیاتی ، استانهای مرزی و نقشه های ایران و عراق و منطقه خاور میانه رونق بسیاری داشت.

سیستم های تصویر و مقیاس

حواس انسان بدون کمک گرفتن از ابزار و وسایل ویژه، چشم انداز محدودی از محیط پیرامون او فراهم میکند. به منظور غلبه بر این محدودیت‌ها انسان ابزار ها

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

یی مانند زبان، ریاضیات و صورگرافیکی (تصاویر) را بکار می گیرد. اما هریک از این ابزارها تغییراتی را هر چند ظریف و نامحسوس در موضوع خود ایجاد می کنند. همین اصل در مورد شکل ویژه‌ای از صور گرافیکی که ما آن را نقشه می نامیم ، صادق است. مساله بنیادی در کارتوگرافی – علم و هنر ساختن نقشه - تفاوت عمده بیان شکل و اندازه (سیستم تصویر و مقیاس) نقشه و موضوع آن یعنی جهان واقعی است. سیستم تصویر و مقیاس مفاهیم اساسی کارتوگرافی هستندکه به ما کمک می کنند تا این تفاوت و آثار آن رادرک کنیم.

از آنجا که زمین کروی است همواره نیمی از آن در برابر دیدگان ما قرار می گیرد. از سوی دیگر ساختن کره ای با مقیاس بزرگ که بتواند همه اطلاعات و جزئیات عوارض سطح زمین مربوط به یک موضوع خاص را به روی آن منتقل کرد به لحاظ علمی و عملی غیر ممکن است و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه نیست. لذا جغرافیدان‌ها و کارتوگراف‌ها به منظور تهیه چشم اندازی از کره زمین که همه وجوه آن را شامل گردد و اندازه آن نیز مناسب باشد با استفاده از سیستم تصویر[۵] و مقیاس [۶] اقدام به تهیه نقشه می کنند.

به روش تبدیل سطح کروی به سطح صاف و مستوی ، سیستم تصویر گفته می شود. (Bergman, ۱۹۹۹ : ۵۲۲) در این فرآیند هم شکل کره زمین دچار تغییر می گردد و هم اندازه آن به نسبت معینی کوچک می‌گردد که به آن مقیاس گفته میشود. کل فرآیند تبدیل سطح کروی (برای مثال کره زمین به عنوان یک واقعیت خارجی) به سطح مستوی وصاف شامل دو مرحله می‌گردد ۱- کوچک کردن کره واقعی به مقیاسی برابر با مقیاس نقشه مورد نظر

۵ - Projection system
۶ - scale

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲- پیاده کردن کره کوچک شده به مقیاس معین برروی سطح صاف (Bergman, ۱۹۹۹:۵۲۲). به منظور اینکه یک سیستم تصویر بصورت دقیقی عوارض سطح زمین را به نمایش درآورد، می‌بایستی متغیرهایی مانند فاصله، جهت، مسافت، شکل و مجاورت را حفظ نماید. رعایت همه این عوامل فضایی در ساختن کره جغرافیایی رعایت می‌گردد، اما رعایت همه آنها تواما درنقشه‌ای که روی سطح صاف ومستوی کشیده شده است امکان‌پذیر نیست بنابراین یک کارتوگراف نمی‌تواند بطور همزمان شکل ومساحت یک ناحیه رابدون تغییر رسم نماید، لذا از ترکیب پارامترهای فضایی فاصله، جهت، مساحت، شکل و مجاورت انواع سیستم‌های تصویر پدید می‌آید. سیستم‌های تصویر نقشه به صدها نوع می‌رسد اما تنها تعداد کمی از آنها (در حدود ۲۰ سیستم) در کارتوگرافی کاربرد دارند (مدیری، ۱۳۸۳ : ۶۹). از میان این ۲۰ نوع نیز سه تای آن بسیار شناخته شده هستند که عبارتند از: سیستم تصویر استوانه‌ای[۷] مخروطی[۸] و ازیموتال[۹]. سه سیستم تصویر مشتق از سیستم‌های اصلی عبارتند از: شبه‌استوانه‌ای، شبه مخروطی و چند مخروطی (مدیری، ۱۳۸۳ : ۹۱). هریک از این سیستم‌های تصویر برای پیاده نمودن سطح کروی به روی سطح صاف با ثابت نگه داشتن یک پارامتر برای مثال مساحت، سایر پارامترهای فضایی مانند فاصله، جهت، شکل نسبت به اندازه واقعی آن در روی کره دچار تغییرات می‌شوند. برای نمونه از سیستم تصویر استوانه‌ای، نقشه‌های جهان‌نمای مرکاتور، استوانه‌ای هم‌مساحت[۱۰]

۷ - Cylindrical
۸ - Coinic
۹ - Azimotal
۱۰ - Cylindrical Equal - Area

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و استوانه‌ای هم فاصله[۱۱] مشتق می گردند (Robinson and , ۲۰۰۲ : ۶۰) هریک سیستم‌های تصویر، جهان را به گونه‌ای متفاوت به تصویر می‌کشند، لذا کارتوگراف‌ها و سفارش دهندگان نقشه بر حسب خواستها، منافع و نیات خود یک سیستم تصویر ویژه را برگزیده و جهان را بر اساس آن باز نمایی می کنند. برای مثال نقشه جهان نمای مرکاتور بر اساس سیستم تصویر استوانه ای بهترین وسیله برای باز نمایی برتری اروپا از سده شانزدهم تا بیستم بوده است و به همین گونه ، پایه گذاران سازمان ملل متحد به منظور به تصویر کشیدن اصل برابری حقوقی کشورها که یکی از مهمترین اصول در منشور ملل متحد می باشد از سیستم تصویر آزیموتال در آرم سازمان ملل استفاده کرده اند. اما چرا نقشه دارای چنین ویژگی است؟ پاسخ این پرسش را باید در نشانه بودن نقشه جستجو کرد.

نقشه به مثابه نشانه

اگر مهمترین علت پیوند میان نقشه و قدرت سیاسی را نشانه بودن نقشه عنوان کردیم بلافاصله این پرسش مطرح می گردد که نشانه چیست؟ پیرس[۱۲] یکی از شناخته شده ترین نشانه شناسان نشانه را چنین تعریف می کند: نشانه عبارت است از "چیزی که ما به ازای چیز دیگری قرار میگیرد و از این طریق قابل فهم می شود یا معنایی را تداعی می کند (معینی ، ۱۳۸۰ : ۱۲۴). برای مثال نقشه ما به ازای عوارض واقعی زمین قرار میگیرد و برآن دلالت میکند.

اساس دلالت نشانه بر معنای خود و مبنای پذیرش جایگزینی نشانه به جای واقعیت عینی بیرونی، بر مبنای قرارداد و در برخی موارد شباهت است. به گفته

۱۱ - Cylindrical Equidistant
۱۲ - C. S. Peirce

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

امبرتو اکو[۱۳] "نشانه تمامی آن چیزهایی است که بر پایه قراردادی اجتماعی و از پیش نهاده، چیزی را به جای چیز دیگر معرفی می‌کند" (بابک احمدی، ۱۳۸۳ : ۳۲). دو جزء اصلی مدل نشانه شناسی (دال / مدلول = نشانه) را دو مفهوم دال و مدلول تشکیل میدهند. این دو جزء در چارچوب قراردادهای نشانه شناسانه شکل میگیرند. دال وجه مشاهده پذیر است و مدلول مشاهده شدنی نیست و امری ذهنی است. در نقشه های جغرافیایی نقشه دال و آنچه نقشه به آن دلالت می کند مثلا کشور ایران ، مدلول است.

نشانه‌ها انواع گوناگونی داشته و به روش های مختلفی تقسیم بندی می شوند. مشهورترین تقسیم بندی از سوی پیرس ارائه شده است. دراین تقسیم بندی نشانه ها در سه دسته نمادین ، نمایه‌ای[۱۴] و شمایلی[۱۵] طبقه بندی می شوند. از میان سه نوع نشانه فوق الذکر ، نوع شمایلی دارای اهمیت ویژه ای در دانش جغرافیاست . نشانه شمایلی بر اساس شباهت میان نشانه با موضوع استوار است و نقشه های جغرافیایی از نوع نشانه های شمایلی می باشند اما دارای ویژگی نمادین و نمایه ای نیز هستند (احمدی ، ۱۳۸۳، ۴۳).

کارکرد نشانه انتقال اندیشه از طریق پیام[۱۶] است. این امر مستلزم وجود مرجع[۱۷]، رمزگان[۱۸]، فرستنده[۱۹] و گیرنده[۲۰] می‌باشد. رومن یاکوبس[۲۱] برمبنای

۱۳ - U. Eco
۱٤ - Indice
۱٥ - Icon
۱٦ - Message
۱۷ - Reference
۱۸ - Code
۱۹ - detinature
۲۰ - destinataire
۲۱ - R.Jakobson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

طرح واره‌ای که از نظریه ارتباط اقتباس کرده بود، شش کار کرد را برای زبان (بعنوان یک نظام نشانه‌ای) قائل شد و تحلیل او با اندکی دستکاری در مورد تمامی اشکال ارتباط که دارای نظام نشانه ای هستند معتبر است (پی‌یرگیرو، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۰). این شش کارکرد عبارتند از: کارکرد ارجاعی، عاطفی، کنایی ، زیبایی شناختی ، همدلی وفرازبانی.

نقشه‌های جغرافیایی دارای دو خاصیت نمادین ونشانه ای هستند . آنجا که یک نقشه تنها بر یک معنا دلالت کند دارای ویژگی نشانه ای است. برای مثال نقشه کشور ایران هر گاه تنها به معنای کشور ایران باشد دارای خاصیت نشانه ای است، اما اگر نقشه دارای چند معنا باشد یا مخاطب و بیننده چند معنا از آن استنباط کند ، آنگاه دارای خاصیت نمادین می گردد. برای نمونه نقشه جهان نمای مرکاتور درمقام نشانه بر جهان دلالت می کند واز این نظر دارای تنها یک معناست. این معنا همان جهان و موقعیت خشکی ها، آب ها ، کشورها و شهرهای مهم جهان در رابطه با یکدیگر است . اما همین نقشه مرکاتور می تواند دارای کار کرد نمادین هم باشد. برای یک اروپایی نقشه جهان نمای مرکاتور نماد برتری اروپا نسبت به سایر قاره ها و مناطق است. همین نقشه برای یک فرد از کشوری در آفریقا نماد سلطه گری و استعمار اروپائیان می باشد..

کاربرد نقشه در اعمال قدرت و القاء سیاست

هنریکسون[۲۲] درخصوص نقشه جغرافیایی و نقش آن در تنظیم رابطه انسان با جهان و همچنین شناخت آن چنین اظهارنظر کرده است: "نقشه جغرافیایی وسیله ای است مانند عدسی (لنز) که به واسطه آن جهان را می‌بینیم، می‌شناسیم

۲۲ - Alan K.Henrikson

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و جهان بزرگتری پدید می‌آوریم (Henrikson, ۱۹۹۴ : ۵۲). نقشه به عنوان یک نظام نشانه‌ای (تصویری – نوشتاری) متشکل از نمادها و نشانه‌ها بوده و یک متن[۲۳] نیز به شمار میرود و از این منظر قابل تاویل[۲۴] و تفسیر[۲۵] می‌باشد.

نقشه به مثابه متن یکی از مهمترین حلقه های پیوند جغرافیا با فلسفه‌های پسامدرن و پساساختارگرا می‌باشد. ژاک دریدا[۲۶] از تاثیرگذارترین نظریه‌پردازان پساساختارگرا در حوزه متن شناسی است. دریدا تاکید دارد هر متن متاثر از سایر متون است و معنای آن نیز در پیوند با سایر متون ساخته می‌شود. از نظر او متون مخلوق نشانه‌ها هستند و نشانه‌ها واسطه میان انسان و واقعیت می‌باشند. لذا دریدا تاکید دارد امکان دسترسی مستقیم به واقعیت در اختیار انسان نمی‌باشد. البته این به معنای نفی هستی شناسی چیزهای بیرون از متن نیست، بلکه نفی امکان شناخت مستقیم چنین چیزهایی است. در واقع متون نوعی بازنمایی[۲۷] از جهان هستند، اما از آنجا که امکان بازنمایی جهان وجود ندارد پس همه باز نمایی‌ها سیاسی بوده یعنی به نفع یا ضرر یک طرف است (Berten, ۱۹۹۵: ۶-۷) برای مثال در تهیه نقشه جهان نمای مرکارتور اروپائیان با مرکز قراردادن اروپا و قرار دادن آن در بالای نقشه به نفع تمدن اروپایی و به ضرر دیگر تمدن‌ها و قاره‌ها، جهان را باز نمایی می کنند. این درحالی است که نقشه جهان نمای تهیه شده در آمریکا با قرار دادن آمریکا در مرکز نقشه جهان را به نفع آمریکا و به ضرر سایر ملت‌ها و قاره‌ها باز نمایی می‌کند.

۲۳ - Text
۲٤ - Interpretation
۲٥ - Commentaire
۲٦ J. Derrida
۲۷ Representation

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دومین علت نظری در پیوند نقشه و قدرت تاثیر آن در اعمال قدرت و القاء سیاست خاصیت گفتمانی نقشه است. شناخته شده ترین نظریه پرداز این حوزه میشل فوکو[۲۸] می باشد. فوکو با ارائه مفاهیمی چون گفتمان[۲۹] ، سامان و انگاره دانایی[۳۰] ، رابطه میان قدرت و دانش[۳۱]، حذف[۳۲]، تحدید[۳۳] نظارت وعینیت بخشی[۳۴]، و فن آوری انضباطی قدرت نظرات خود را تئوریزه نموده است (مشیرزاده، ۱۳۸۴ : ۲۶۱-۲۶۰) براساس نظرات فوکو نقشه جغرافیایی هم در زمره اسناد و متون مشروعیت بخش گفتمان ها قرار می گیرد و هم خود گفتمان ساز است (بزرگی، ۱۳۸۲ : ۱۵۵). در خصوص مفهوم قدرت – دانش ، نقشه جغرافیایی هم ابزار سلطه و هم مولد قدرت و سلطه می باشد ، لذا کارتوگرافی و نقشه رابطه تنگاتنگی با قدرت دارند. در خصوص مفاهیمی چون حذف ، تحدید و عینیت بخشی نیز ، نقشه جغرافیایی ضمن بازنمایی برخی عوارض، برخی دیگر را نیز حذف می‌کند، نقشه محدوده نگاه انسان را محدود کرده در عین حال ابزار عینیت بخش و نظارتی است. و یکی از مهمترین ابزارهای اعمال فن آوری انضباطی قدرت در کنترل فضاها در مقیاس های مختلف بخصوص در مقیاس ملی می باشد (دریفوس و رابینو ، ۱۳۷۶ : ۲۷۰).

نقشه به مثابه یک نظام نشانه ای و نشانه دارای ویژگی رسانه ای و انتقال پیام به مخاطبان و کاربران خود می باشد. نقشه های جغرافیایی حامل پیام های

۲۸ - M. Foucault
۲۹ - Discourse
۳۰ - Episteme
۳۱ - Power - Knowledge
۳۲ - Exclusive
۳۳ - Confinement
۳٤ - Objctification

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی، فرهنگی ، تاریخی و هویتی بوده و از این نظر، پیوند ناگسستنی با قدرت دارند. ارتباط وانتقال پیام شکلی از کنش اجتماعی است که دارای قدرت نمادین می باشد (تامپسون ، ۱۳۸۰ : ۲۱).

نقشه‌های جغرافیایی به ویژه نقشه‌هایی که پراکندگی متغیرهای انسانی را بازنمایی می‌کنند، از جمله صور نمادینی هستند که با داشتن قدرت نمادین در بازتولید، جهت دهی، بازنمایی و تاثیرگذاری بر افراد و جوامع دارای اهمیت بسیاری می باشند. به عبارت دیگر نقشه گونه ای زبان است، زبان جغرافیایی با همه کار ویژه های زبان.

از این ویژگی رسانه ای نقشه در تایید یا جعل واقعیت های تاریخی ، مکانی، فضایی بهره برداری بسیاری می شود که نمونه کلاسیک آن چاپ نقشه های جعلی از خلیج فارس با نام های جعلی می باشد (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱ : ۱۰۰-۸۰).

چهارمین پایه نظری پیوند میان نقشه و قدرت ریشه در نقشه‌های ادراکی[۳۵] دارد. نقشه با ارائه یک نگرش فراگیر از زمین، کشورها یا قاره‌ها را در یک نگاه فراتر از زمان به تصویر می‌کشد. نقشه برداشت و ادراک ما از مکان ، ویژگی های آن و درجه اهمیت یا بی اهمیتی مکان ها را به نمایش می گذارد. نقشه ها همچنین ادراک ما از مکان ها، فضاها و موقعیت ها را تغییر می دهند. نقشه ها احساس گنگی از اقتدار و قدرت ارزانی می دارند وتصور و پندار مهار فضا را به ذهن انسان وارد می کنند . نقشه ها کمک بسیاری به ساختن و شکل دهی برداشت، ادراک ، تاویل و تفسیر انسان ها از محیط پیرامونشان دارند. و در نهایت اینکه نقشه‌های ادراکی نقش مهمی بر ذهن تصمیم سازان و سیاستگذاران در

۳۵ - Perceptual

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

طرح ریزی و اتخاذ استراتژی ها و خط مشی بر عهده دارند. (رکاچه ویتس، ۱۳۸۴ : ۲۴)

تاثیر نقشه های ادراکی تا بدان جاست که برخی صاحب نظران بر این اعتقاد هستند که گرایشات عمومی و همچنین تصمیمات دولتمردان و سیاستمداران در حوزه های سیاست خارجی و ژئوپلیتیک (داخلی وخارجی) بر پایه تصورات جغرافیایی استوارند، که این تصورات تا حدود بسیاری به نقشه های جغرافیایی بستگی دارد که آنها به آن خو گرفته اند و از آن تاثیر می پذیرند (کارل دویچ و دیگران ، ۱۳۷۵: ۲۱۴).

پنجمین علت نظری در پیوند میان نقشه جغرافیایی و قدرت و نقش آن بخصوص در القاء سیاست ویژگی نمادین نقشه ها می باشد . هنگامی که نقشه دارای خاصیت نشانگی است دارای یک معنا می باشد یا دست کم مخاطبان و کاربران معمولا از دیدن آن یک معنا را درک می کنند. در این حالت نسبت میان دال (نقشه) و مدلول (آنچه نقشه به آن دلالت می‌کند) ثابت است. (معینی، ۱۳۸۰ : ۹۳). برای مثال در یک نقشه سیاسی از خاورمیانه نقشه ایران بر کشور جمهوری اسلامی ایران دلالت می کند . هنگامی که نقشه دارای خاصیت نمادین می گردد، هم معرف پیچیدگی ذهنی انسان (اعم از کارتوگراف و مخاطب) است و هم موجب می گردد ایده ها و باورها خاصیت چند معنایی پیدا کنند. یعنی از چند بعد و منظر بتوان آنها را معنا ، تفسیر وتاویل نمود. لذا کارتوگراف وسفارش دهندگان از خاصیت نمادین نقشه های جغرافیایی به منظور القاء سیاست های مورد نظر بهره می برند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نتیجه گیری

نقشه جغرافیایی به لحاظ فنی نمایش عوارض جغرافیایی روی سطح صاف است اما به لحاظ هستی شناسی یک نشانه بوده و جایگزین واقعیت ها و عوارض جغرافیایی می گردد. از منظر شناخت شناسی نقشه واسطه میان انسان و محیط پیرامون او می باشد. با توجه به اینکه نقشه پایه اصلی شناخت در دانش جغرافیاست لذا می توان گفت ، بخش عمده شناخت در جغرافیا متکی به نقشه و تحت تاثیر آن است.

نقشه جغرافیایی به عنوان یک نشانه و جانشین عوارض و واقعیت های جغرافیایی به پنج دلیل نظری که ریشه در ویژگی نشانه بودن نقشه دارد با قدرت سیاسی در پیوند بوده و نقش مهمی در القاء سیاست و اعمال قدرت دارد.

نخستین علت نظری خاصیت نمادین نقشه است که به آن ویژگی چند معنایی بخشیده و موجب می گردد معناها، تفسیرها و تاویل‌های مختلفی از یک نقشه جغرافیایی در نزد کاربران و مخاطبان بوجود آید. در این میان معنا و تاویلی عمومیت می یابد که از پشتیبانی قدرت بهره‌مند گردد. برای نمونه نقشه جهان نمایی که در پرچم و آرم سازمان ملل متحد بکار رفته است در اصل به منظور القاء اصل برابری حقوقی کشورها بوده است. این معنا مورد پذیرش پنج قدرت پیروز جنگ جهانی دوم بود.

دومین علت نظری در رابطه میان نقشه جغرافیایی و قدرت در متن بودگی نقشه است. نقشه به عنوان متن، خنثی و بیطرف نیست بلکه به نفع یکی و ضرر دیگری می‌باشد. نقشه‌ها دارای بار ایدئولوژیک بوده و در واقع یکی از تجلیات و بازنمایی‌های ایدئولوژی‌ها و اندیشه‌ها هستند. معنا به همان اندازه که از متن نقشه اعم از نوشته ها ، نام ها، رنگ ها، علایم و خطوط ناشی می گردد از بافت یا زمینه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اجتماعی و فرهنگی که نقشه در آن تولید می گردد نیز تاثیر می پذیرد. هر نقشه جغرافیایی به یک منبع قدرت و اقتدار مرتبط است و در واقع هر نقشه ای برای ایجاد نوعی هژمونی و تفوق تولید می گردد. نقشه ها حاصل مقاصد ، اهداف و نیات سفارش دهندگان و کارتوگراف‌ها هستند و به همان اندازه که تسهیل کننده شناخت هستند، محدود کننده شناخت نیز هستند.

سومین علت نظری پیوند نقشه و قدرت به رابطه میان نقشه و گفتمان و رابطه قدرت – دانش اشاره دارد. در خصوص نسبت گفتمان و نقشه ، گفته شده که نقشه از پدیده‌هایی است که هم در شکل گیری گفتمان و هم به عنوان جزیی از گفتمان‌ها (به عنوان عامل مشروعیت بخش و سند) نقش دارد. نقشه های جغرافیایی دارای نقش تکوینی در شکل‌گیری گفتمان‌های ژئوپلیتیکی می باشند. اصولا ژئوپلیتیک دانشی متکی به نقشه است و دالی است که مدلول خود را از درون نقشه ها جستجو میکند. علاوه بر کارکرد فوق نقشه ها دارای کارکرد سندی و ارجاعی در گفتمان ها، بخصوص گفتمان های ژئوپلیتیکی ، روابط بین المللی، تاریخی و حقوق بین الملل می باشند و در این جایگاه دارای بیشترین توان در القاء سیاست‌ها، عقاید و هویت‌ها هستند. فن آوری انضباطی قدرت از دیدگاه فوکو یکی از مهمترین جلوه‌ها و عرصه‌های پیوند نقشه با قدرت می‌باشد به نظر فوکو هدف اصلی همه اشکال مجازات تغییر در تعادل روابط قدرت در کل جامعه است. انضباط در مرحله اولیه عمدتا برروی بدن انسان اجرا می شد. در مرحله بعد اعمال کنترل بر فضا یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده فن آوری انضباطی می باشد. در واقع انضباط با سازماندهی افراد در درون فضا معنا می یابد. بنا براین نیازمند محصور سازی و مرز بندی است. نقشه ابزار مناسبی به منظور مرز بندی ، محصور سازی، سازماندهی درونی فضا و اعمال کنترل بر کل فضا و از میان بردن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

حفره ها و بحران های نفوذ می باشد. در خصوص رابطه قدرت – دانش و نقشه باید گفت ، نقشه و دانش کارتوگرافی همواره ابزاری در خدمت قدرت و باز تولید آن بوده است.

ویژگی رسانه بودن چهارمین علت پیوند نقشه و قدرت در زمینه اعمال قدرت و القاء سیاست می باشد. نقشه دارای قدرت نمادین می باشد. قدرت نمادین از فعالیت ،تولید ، دریافت و انتقال اشکال نمادین معنادار ناشی می گردد. اشکال نمادین نیز دارای خاصیت و ویژگی انتقال پیام بوده و رسانه محسوب میگردند. نقشه به عنوان یک رسانه حامل پیام از سازندگان و تولید کنندگان به مخاطبان خود می باشد. و به عنوان یک نظام نشانه ای همانند زبان دارای ویژگی انتقال پیام میباشد و از این طریق حامل پیام فرستنده (کارتوگراف و سفارش دهنده) به گیرنده (کاربران و مخاطبان) می باشد. همچنین در جایگاه رسانه ، دارای ویژگی دیگری نیز هست. به طوریکه با داشتن قدرت نمادین قادر به واقعیت سازی و ساختن واقعیت هاست . این قدرت نقشه به آن ویژگی سازه گرایانه (تکوینی) می بخشد.

و سرانجام پنجمین علت در کالبد شکافی رابطه میان نقشه و قدرت در ارتباط با اعمال قدرت و القاء سیاست ، نقشه ادراکی می باشد. نقشه های ادراکی و شناختی نقش بسیار مهمی در شناخت و تفسیر افراد از محیط پیرامون خودشان و اتخاذ تصمیم در مسائل فردی ، اجتماعی، سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی دارد. نقشه های ادراکی حاصل تعامل و در کنار هم قرار گرفتن ، نشانه ها، نمادها ، نقشه‌های کارتوگرافی شده و تصویر ها و برداشت های افراد در محیط پیرامونشان و تعریف فرصت ها، تهدید ها، منافع ، هویت ها و طرح ها و برنامه ها بر اساس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

متغیرهای یاد شده می باشد. نقشه های ادراکی تاثیرمهمی بر اجرای سیاست بخصوص در حوزه سیاستگذاری عمومی و سیاست خارجی دارند.

منابع و مأخذ

۱- احمدی، بابک (۱۳۸۳) **از نشانه‌های تصویری تا متن: بسوی نشانه‌شناسی ارتباطی**. تهران: نشر مرکز.

۲- بزرگی، وحید (۱۳۸۲) **دیدگاههای جدید در روابط بین‌الملل: تاویل‌شناسی، پسانوگرایی، نظریه انتقادی**. تهران: نشر نی.

۳- پورکمال، محمد (۱۳۴۹) **بررسی‌های کارتوگرافی در جنوب شرقی ایران**. تهران، موسسه جغرافیا، نشریه گزارشهای جغرافیایی، شماره دوم.

۴- تامپسون، جان ب. (۱۳۸۰) **رسانه‌ها و مدرنیته. ترجمه مسعود اوحدی**. تهران: انتشارات سروش.

۵- دریفوس، هیوبرت و رابینو، پل (۱۳۷۶) میشل فوکو، **فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک**. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر نی.

۶- **فرهنگ بزرگ گیتاشناسی** (۱۳۷۶) تهران: گیتاشناسی.

۷- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۰) **جغرافیا در ایران**. تهران: گیتاشناسی.

۸- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳) **نشانه‌شناسی**. ترجمه محمد نبوی. تهران: نشر آگه.

۹- رکاچه ویتس، فیلیپ (۱۳۸۴) **نقشه‌نگاری، گذاری میان دانش، هنر و ترفند**. تهران: ماهنامه لوموند دیپلماتیک، اسفند ماه.

۱۰- مدیری، مهدی و خواجه، خسرو (۱۳۸۳) **کارتوگرافی مدرن**. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

۱۱- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴) **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**. تهران: سمت.

۱۲- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۰) **موانع نشانه شناختی گفتگوی تمدنها**، تهران: هرمس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۱۳- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۷۸) **نماد، نشانه و اندیشه سیاسی. گفتمان و تحلیل گفتمانی**: مجموعه مقالات، به اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.

۱۴- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۱) **تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه.

۱۵- Bergman. Edward F. and Renwik W. H. (۱۹۹۹) ***Introduction to Geography: peoples, Places and Environment***. New Jersey: Prentice – Hall. Inc.

۱۶- Berten, H. (۱۹۹۵) **The Idea of postmodern**. London: Routledge.

۱۷- Black, Jeremy (۱۹۹۷) **Maps and politics**. Chicago: The University of Chicago press.

۱۸- Blacksell, Mark (۲۰۰۶) **Political Geography**. London: Routledge.

۱۹- Henrikson, A. K. (۱۹۹۴) **the power and politics of maps**. In G. J. Demko and W. B. Wood Eds. Reordering the world (pp. ۴۹-۷۰). Boulder. Colorado: Westview press.

۲۰- Robinson, A and Cuptill, M. (۲۰۰۲) **Elements of cartography**. India: Gopsons papers LTD.

۲۱- Sphyroeras, Vasilis. And others (۱۹۸۵) **Maps and Map – Makers of Ageans**. Trans. G. Cox and J. Solman. Athens: olkos LTD.

۲۲- Zigler, D.J. (۲۰۰۱) **post-communist Eastern Europe and the cartography of Indipendence**. Political Geography ۲۱ : pp ۶۷۱-۶۸۶.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]